

سیاست جدید اوپک

بهروز بیک عزیزاده

تحلیلگر ارشد بازار نفت - وزارت نفت

مقامات نفتی اوپک اخیراً اظهار داشته‌اند که این سازمان از این پس برای تنظیم میزان تولید خود، به سطح ذخیره‌سازی‌های تجاری نفت در کشورهای عضو OECD نیز توجه خواهد کرد و چنانچه این ذخیره‌سازی‌ها تا میزان مطلوب کاهش نیافته باشند از افزایش تولید خودداری خواهد نمود.^(۱) این مقامات همچنین تأکید کرده‌اند که آنچه در تصمیم‌گیری راجع به میزان تولید، اهمیت خواهد داشت تنها سطح قیمت‌های نفت نیست

بلکه سطح ذخیره‌سازی‌های نفتی نیز دارای اهمیت خواهد بود. معمولاً از میانگین پنج سال گذشته به عنوان سطح مطلوب ذخیره‌سازی یاد می‌شود. این تحلیل وجود دارد که تا زمانی که سطح ذخیره‌سازی‌ها در کشورهای عضو OECD به ۵۲ الی ۵۴ روز مصرف آتی این کشورها تنزل نیابد، اوپک همچنان سیاست کنترل تولید خود را ادامه داده^(۲) و سطح تولید خود را تغییر نخواهد داد. براساس گزارش اوپک سطح ذخیره‌سازی‌های نفتی در کشورهای عضو OECD در پایان سه ماهه اول سال جاری میلادی معادل ۶۱ روز مصرف آتی این کشورها بوده است. آژانس بین‌المللی انرژی نیز این رقم را در سطح ۶۲ روز برآورد کرده است. براساس آمار ارایه شده توسط اوپک، میانگین پنج سال گذشته ذخیره‌سازی‌های تجاری OECD معادل ۵۴ روز بوده و براساس آمار ارایه شده از سوی آژانس بین‌المللی انرژی این میانگین به ۵۲٫۷ روز بالغ شده است.

در این میان به اعتقاد برخی از تحلیلگران نفتی قاعده عمومی این است که وجود ۵۰ روز ذخیره‌سازی برای مصارف آتی باعث رونق شدید قیمت‌ها، ۵۳ روز باعث تقویت قیمت‌ها، ۵۷ روز باعث کساد

قیمت‌ها و ۶۰ روز باعث کساد شدید قیمت‌ها خواهد شد. بنابراین تعجبی ندارد که مقامات نفتی اوپک تمایل دارند سطح ذخیره‌سازی‌های نفتی در کشورهای عضو OECD به سطح ۵۲ الی ۵۴ روز تقلیل یابد. کاهش سطح ذخیره‌سازی‌ها به این معنی است که نه تنها نفت مازاد در بازار وجود ندارد، بلکه مصرف‌کنندگان برای پاسخ‌گویی به نیازهایشان ناچار خواهند بود از ذخیره‌سازی‌ها برداشت کنند؛ بنابراین قیمت‌های نفت افزایش خواهد یافت.

استفاده از معیار تعداد روزهای کفاف ذخیره‌سازی، برای تصمیم‌گیری درباره میزان تولید نفت اوپک، این حسن را نیز دارد که سازمان از سوی مصرف‌کنندگان متهم نخواهد شد که قواعد بازار آزاد را رعایت نکرده و به تعیین قیمت پرداخته است و لذا فشارهای سیاسی بر تولیدکنندگان اوپک تا حدودی کاهش خواهد یافت. اما در عین حال به کارگیری این معیار جدید در بحث کنترل تولید، ناکارآمدی‌هایی نیز دارد که شایسته است از سوی مقامات اوپک به آن توجه شود.

براساس جدول تراز عرضه و تقاضای اوپک، بازار نفت در سه



بشکه استراتژیک)، علاوه بر آن ۵۰۰ هزار بشکه در روز نیز نفت های در حال انتقال و ذخیره سازی های شناور افزایش یافته است. بنابراین آژانس بین المللی انرژی ناچار شده است اعلام کند که یک میلیون بشکه در روز که شامل ذخیره سازی گزارش نشده در کشورهای OECD و ذخیره سازی در کشورهای غیر OECD می باشد، از ذخائر کاهش یافته است. البته آمار آژانس نیز نمی تواند برداشت از ذخیره سازی ها در زمانی که انتظار می رود قیمت ها افزایش یابند را توجیه کند. به هر حال، طبق گزارش اوپک به رغم این که این سازمان تولید خود را در سه ماهه اول سال ۲۰۰۹ به میزان ۲ میلیون بشکه در روز نسبت به سه ماهه چهارم ۲۰۰۸ کاهش داده است؛ اما ذخیره سازی ها در کشورهای OECD همچنان در حال افزایش بوده است و آمار آژانس نیز از افزایش ذخیره سازی های یاد شده حکایت دارد. به عبارت دیگر این آمار نشان می دهد که ارتباط ذخیره سازی ها با برنامه تولید اوپک قطع شده است.

در حقیقت این شواهد به خوبی نشان می دهد که دسترسی نداشتن به آمار دقیق و به موقع موجب شده است که نتوان از سطح ذخائر نفتی به عنوان یک معیار دقیق برای کنترل تولید استفاده کرد. علاوه بر آن، این ناکارآمدی ها را می توان از این حقیقت ناشی دانست که تغییر در ذخیره سازی تجاری نفت تنها از وجود مازاد عرضه و یا کمبود عرضه در بازار ناشی نمی شود، بلکه عوامل دیگری نیز در تغییر سطح ذخیره سازی ها نقش دارند.

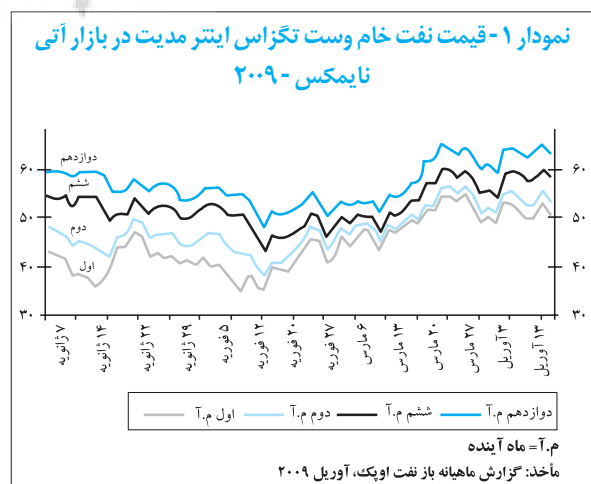
هنگامی که قیمت ماه های آینده بالاتر از سطح فعلی قیمت ها قرار داشته باشند و به اصطلاح حالت پیش بهینی (CONTANGO) بر بازار حاکم باشد، مصرف کنندگان ترجیح می دهند ذخیره سازی های خود را افزایش دهند تا در آینده ناچار نشوند برای مصارف خود نفت گرانتر را خریداری کنند. حال هر چقدر این فاصله بیشتر باشد مصرف کنندگان تمایل بیشتری به ذخیره سازی نفت خواهند داشت و بر عکس اگر قیمت های فعلی بالاتر از ماه های آینده بوده و به اصطلاح حالت پس بهینی بر بازار حاکم باشد (BACKWARDATION) مصرف کنندگان ترجیح می دهند از ذخیره سازی های خود برداشت کنند و در آینده نیز نفت مورد نیاز خود را از بازار با قیمت های پایین تر تهیه نمایند.

در تئوری، کاهش تولید اوپک می تواند باعث کمبود فیزیکی نفت در بازار شود و قیمت های فعلی را افزایش داده و شدت پیش بهینی را کاهش دهد و به این ترتیب انگیزه برای ذخیره سازی کمتر شود. بر اساس آنچه گفته شد، باید تأثیر اقدام اوپک بر مبنای معیار سطح ذخیره سازی ها قابل لمس باشد و تغییر سطح ذخیره سازی را بتواند نشان دهد که اوپک تولید خود را کاهش داده و یا افزایش داده است. اما عملاً در بازار نفت چنین اتفاقی نیفتاده است زیرا تعیین قیمت های ماه بعدی در بازار آتی فقط در اختیار اوپک نیست و به

ماهه اول سال ۲۰۰۹ کاملاً تراز بوده است، یعنی در سه ماهه اول سال ۲۰۰۹ نفت مازادی در بازار وجود نداشته است. اما بر اساس گزارش سازمان اوپک مجموع ذخیره سازی نفت در کشورهای عضو OECD در سه ماهه اول سال ۲۰۰۹ نسبت به پایان سال ۲۰۰۸ به میزان ۶۵ میلیون بشکه افزایش یافته است (افزایش ذخائر تجاری به حدود ۴۳ م.ب و استراتژیک به حدود ۲۱ م.ب) و تنها میزان نفت بر روی آب (در حال حمل توسط کشتی ها یا در تانکرهای ذخیره سازی) به میزان ۴۱ میلیون بشکه کاهش داشته است. یعنی کمبود نفت در بازار به هیچ وجه بر روی ذخیره سازی های تجاری و استراتژیک در کشورهای OECD منعکس نشده است. در واقع ذخیره سازی های نفتی تجاری در منطقه OECD که مورد توجه مقامات اوپک است از ۵۹ روز به ۶۱ روز افزایش یافته است. البته ممکن است ادعا شود که ذخیره سازی در کشورهای غیر OECD که آمار خود را اعلام نمی کنند، ممکن است کاهش یافته باشد، اما این قانع کننده نخواهد بود، زیرا در سه ماهه اول سال ۲۰۰۹ قیمت در بازار بورس (آتی ها) در چند ماه آینده بالاتر از قیمت های ماه اول بود. بنابراین در زمانی که تصور می شد قیمت در ماه های آینده افزایش خواهد یافت، برداشت از ذخیره سازی ها منطقی نبوده است (نمودار ۱).

حتی اخبار نشان می دهد که ذخیره سازی های تجاری در چین تکمیل شده است و شرکت های چینی در حالی که قیمت ها کمتر از سال قبل بوده است، تلاش کرده اند ذخیره سازی های تجاری خود را تکمیل کنند.

از سوی دیگر برخلاف اوپک که در جدول عرضه و تقاضای خود، وضعیت بازار در سه ماهه اول سال ۲۰۰۹ را کاملاً تراز اعلام کرده بود، در جدول عرضه و تقاضای آژانس بین المللی انرژی، ۲۰۰ هزار بشکه در روز مازاد عرضه برآورد شده است. در عین حال آژانس معتقد است که مجموع ذخیره سازی در کشورهای OECD به میزان ۷۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافته است (۵۰۰ هزار بشکه تجاری و ۲۰۰ هزار



شیب وضعیت پیش بهیمنی به عواملی نظیر نرخ بهره و نرخ کرایه نفتکش ها نیز توجه کنند.

بر اساس اطلاعات منتشر شده در اواخر ماه ژوئن ۲۰۰۹ در حدود ۷۰ میلیون بشکه نفت بر روی آب ها ذخیره شده که نسبت به ماه مه ۲۰۰۹ در حدود ۲۰ میلیون بشکه افزایش داشته است. با افزایش قیمت های فعلی نفت خام، ذخیره سازی نفت بر روی آب چندان اقتصادی به نظر نمی رسد. تفاوت قیمت ۸ دلار در بشکه بین ماه اول و دوم در اوایل ماه فوریه ۲۰۰۹، در حال حاضر به ۸ سنت در بشکه رسیده است که کمتر از هزینه نگهداری یک بشکه نفت خام در دریا است. در حال حاضر هزینه نگهداری یک بشکه نفت خام در دریا تقریباً معادل ۱ دلار در بشکه در هر ماه است. بنابراین شرکت های یاد شده تلاش می کنند تا نفت خود را به بازار عرضه کنند و ممکن است اقدام آن ها تأثیر برنامه کنترل تولید اوپک را کاهش دهد.

به نظر می رسد ابهامات و پیچیدگی هایی که معیار تعداد روزهای ذخیره سازی نفت در کشورهای OECD به همراه دارد، اجازه ندهد که بتوان تنها از این معیار برای تنظیم و یا تثبیت بازار استفاده کرد. البته این نکته نیز بدیهی است که قیمت های بازار تک محموله نیز از عواملی غیر از بنیادهای بازار فیزیکی متأثر می گردند و فقط تحت تأثیر رفتار اوپک قرار ندارند. بنابراین جای این سؤال خالی است که تا زمانی که جانشین مناسبی برای قیمت هدف و یا

محدوده قیمت (Price Band) به دست نیامده، آیا شایسته است تصمیمات سازمان اوپک را برای تعیین سطح تولید به معیاری مرتبط ساخت که از ابهامات و پیچیدگی های بسیاری رنج می برد؟

منابع:

1. Oil Market Report, IEA, 10 July ۲۰۰۹.
2. Monthly Oil Market Report, OPEC, April July ۲۰۰۹.
3. Reuters, Reuters, ۸ June ۲۰۰۹.
4. Dow Jones Newswires, ۴ July ۲۰۰۹.
5. Argus Global Markets, ۱۳ July ۲۰۰۹.

پی نوشت:

1. Reuters, ۲۰۰۹
1. Dow Jones Newswires, ۲۰۰۹

عوامل دیگری نیز بستگی دارد. تحولات سیاسی، چشم انداز اقتصاد جهانی، پیش بینی تغییرات فصلی تقاضا، پیش بینی قطع احتمالی عرضه به دلیل نوسانات فصلی آب و هوا، تلقی بورس بازان از وضعیت قیمت ها برای ماه های آینده و واکنش آن ها و بسیاری از عوامل دیگر می توانند بر سطح قیمت های نفت در ماه های آینده تأثیر بگذارند و باعث تشدید و یا ضعف حالت پیش بهیمنی یا پس بهیمنی شوند. در این میان نرخ بهره و هزینه ذخیره سازی نیز در اقتصادی بودن ذخیره نفت تأثیر می گذارد. سود پالایشی و عملیات پالایشگاهی نیز بر سطح ذخیره سازی های نفت خام و فرآورده تأثیر خود را آشکار می سازد. نکته قابل توجه که باید بر آن تأکید شود این است که قیمت ها و ساختار آن برای چند ماه آینده در بازار آتی ها، رفتار ذخیره سازی را تحت تأثیر قرار می دهد؛ در حالی که این قیمت ها تنها تحت تأثیر عوامل

بنیادین بازار قرار ندارند، بلکه در این میان بورس بازان و موسسات مالی در شکل گیری قیمت ها تأثیر اساسی دارند و می توانند وضعیت پیش بهیمنی و پس بهیمنی را ایجاد کنند و یا آن را تشدید و یا تضعیف نمایند، انتظارات بورس بازان درباره آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد رفتار آن ها را تحت تأثیر قرار می دهد؛ هر چند این انتظارات ممکن است هیچگاه تحقق نیابد. در عین حال مؤسسات مالی از بازار آتی ها برای حفظ ارزش دارایی های خود نیز استفاده می کنند. هنگامی که ارزش دلار در مقابل سایر ارزها کاهش میابد و

یا هنگامی که نرخ تورم افزایش پیدا می کند، آن ها به بازارهای بورس هجوم می برند و باعث تغییر قیمت ها می شوند و قیمت هایی که به این صورت در بازارهای بورس شکل گرفته است، رفتار ذخیره سازی را تحت تأثیر قرار می دهد (نمودار ۲).

در این میان پدیده دیگری به نام ذخیره سازی شناور نیز وجود دارد که به نوبه خود پیچیدگی معیار سطح ذخیره سازی برای کنترل تولید را بیشتر می سازد. شرکت ها و معامله گران نفتی که از بین آن ها می توان به شرکت های شل، ویتول، بی پی، گلانکور اشاره کرد به ذخیره کردن نفت در نفتکش های بسیار بزرگ در نزدیکی مناطق مصرف مبادرت می کنند و هنگامی که قیمت های نفت به اندازه کافی برایشان جذاب شد، نفت را به بازار عرضه می کنند. آن ها برای حفظ ذخیره خود ناچار هستند علاوه بر

